

بررسی کارکرد سطوح تحلیل در رویکرد انتقادی به تحلیل گفتمان: مطالعه موردی فیلم جدایی نادر از سیمین

فروغ کاظمی^۱، امینه سلمانی سیاه بلاش^۲

۱. استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

دریافت: ۹۳/۱۱/۱

پذیرش: ۹۴/۳/۹

چکیده

در پژوهش حاضر، کارکرد سطوح تحلیل در رویکرد انتقادی به تحلیل گفتمان را از منظر فرکلاف در فیلم *جدایی نادر از سیمین* مطالعه می‌کنیم و با بررسی روابط قدرت، فرهنگ و باورهای فرهنگی، نقش و جایگاه متون اسطوره‌ای، همچون کتاب مقدس را در گشایش گفتمانی بررسی می‌نماییم. در این مقاله، مشخصاً نقش دروغ در برهم ریختن روابط و هنجارهای کنشی را بررسی می‌کنیم و نشان می‌دهیم که دروغ‌های متوالی در طول روایت فضایی ناامن را به وجود می‌آورند که به دلیل نتایج تنش‌بار آن، به فضایی بحران‌زا تبدیل می‌شود. در بستر فیلم، سوژه‌ها با استفاده از باورهای فرهنگی، غیریت‌سازی و اقتناع برای حل بحران‌های موجود در تلاش هستند. در چنین فضایی که عدم توازن قدرت در منازعات گفتمانی سوژه‌های آن موج می‌زند، بازگشت به فرااسطوره و فراباور تنها راه گریز از بحران است که سبب می‌شود فضای آسمیک ایجادشده تعدیل و آرام شود. این‌گونه، ارتباط فرهنگ و اسطوره با گشایش گفتمانی مشخص می‌شود. روش پژوهش در این مقاله تحلیلی است و واحد تحلیل، سکانس‌های فیلم و جمله‌ها یا دیالوگ‌های به‌کاررفته در فیلم یادشده هستند.

واژگان کلیدی: تحلیل گفتمان انتقادی، اقتناع، قدرت و هژمونی، فرهنگ، فیلم *جدایی نادر از سیمین*.

۱. مقدمه

زبان و فرهنگ به‌شیوه‌های گوناگون درهم تنیده‌اند. زبان‌شناسان معتقدند که این دو مقوله جدایی ناپذیر هستند. فرهنگ پدیده‌ای پیچیده و چندبعدی است. عوامل فرهنگی متعددی مانند جغرافیا، قومیت، طبقه اجتماعی، جنسیت، شغل و ... بر زبان تأثیر می‌گذارند. ممکن است که این عوامل فرهنگی بر سطوح مختلف زبانی تأثیر بگذارند. در این پژوهش، می‌کوشیم این تأثیرگذاری را از طریق تجزیه و تحلیل گفتمان انتقادی^۱ بررسی کنیم و نشان دهیم که چه گفتمان‌هایی در متن و بافت وجود دارند و آن‌ها را



تولید می‌کنند. تحلیل گفتمان انتقادی تنها با روش‌های زبانی سروکار ندارد؛ بلکه از تئوری‌های ادبی، فلسفی، ارتباطات و علوم اجتماعی نیز بهره می‌گیرد. سینما به‌عنوان رسانه‌ای تأثیرگذار، نقش مهمی در فرهنگ‌سازی و انعکاس مسائل اجتماعی، زبانی، فرهنگی، سیاسی و ... دارد. سینماگران در قالب فیلم‌ها، از انحرافات جامعه انتقاد می‌کنند و قصد آگاهی‌بخشی به مخاطب را دارند. در پژوهش حاضر، می‌خواهیم کارکرد سطوح تحلیل در رویکرد انتقادی به تحلیل گفتمان را در فیلم *جدایی نادر از سیمین* بررسی کنیم. اصغر فرهادی، مؤلف و کارگردان سینما، در دو اثر قبلی خود، *چهارشنبه سوری* و *درباره‌ی آبی*، دروغ در طبقه متوسط جامعه ایران را به نمایش درآورده و درصدد آشکارسازی ایدئولوژی‌های پنهان بوده است. وی در *جدایی نادر از سیمین*، نشان می‌دهد که چند دروغ مسیر قصه را عوض می‌کند؛ از جمله دروغ نادر در مورد بی‌خبری‌اش از بارداری راضیه، دروغ نادر به حجت در بانک، دروغ راضیه در مورد اینکه هول دادن نادر سبب سقط جنین وی شده و نیز شهادت دروغ ترمه. اکنون، مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که دروغ در برهم ریختن روابط و هنجارهای کنشی و اجتماعی چه جایگاهی دارد. برای حل مسئله مطرح‌شده، در این پژوهش درصدد یافتن پاسخ برای این پرسش‌ها هستیم که اولاً نقش و جایگاه متون اسطوره‌ای همچون سرمتن مقدس و سخنان ائمه در گشایش گفتمانی چیست و همچنین، روابط فرهنگی چگونه روابط قدرت را برهم می‌ریزند. فرضیه اصلی پژوهش این است که فرهنگ و روابط فرهنگی در ایجاد، تضعیف و یا تقویت روابط قدرت در تعاملات زبانی افراد، تأثیر بسزایی دارد. گفتنی است که دلیل اهمیت پژوهش حاضر از سویی حوزه جالب، رایج و مهم تحلیل گفتمان انتقادی به سبب ماهیت سطوح تحلیلی و تبیینی آن و از سوی دیگر ویژگی داده‌ها و پیکره آن‌ها است؛ زیرا در آن، فیلمی را بررسی می‌کنیم که از فیلم‌های موفق حوزه سینمای ایران و جهان است و در کل، نقش و جایگاه سینما و تلویزیون در زندگی اجتماعی امروز نیز بر همگان آشکار است. در ادامه، ابتدا پیشینه پژوهش‌های انجام‌شده در راستای **تحلیل گفتمان انتقادی** را مرور خواهیم کرد و پس از آن، مفاهیم اصلی و مبانی نظری پژوهش را برای تحلیل داده‌ها و انجام پژوهش مطرح می‌کنیم.

۲. مروری بر پیشینه مطالعات نظری

تاکنون، پژوهش‌های گوناگونی در حوزه تحلیل گفتمان انتقادی انجام شده است. در زبان‌های فارسی و انگلیسی نیز مطالعات متنوعی انجام شده و هربار رویکردی خاص در این حوزه محک زده شده است. پایان‌نامه‌ها، مقاله‌ها و کتاب‌هایی که این دیدگاه را اساس کار خود قرار داده‌اند کم نیستند و از نظر کمّی و کیفی، دارای تنوع هستند. در این قسمت، به مهم‌ترین پژوهش‌های داخلی و خارجی انجام‌شده در این زمینه اشاره می‌کنیم.

۲-۱. پیشینه مطالعات ایرانی

سجودی (۱۳۸۵) با بررسی نمونه‌ای از گفتمان سینمایی، نقش نشانه‌های خوراک را مطالعه کرده و معتقد است اگر بپذیریم که خوراک همچون یک نظام نشانه‌ای عمل می‌کند، باید ببینیم که نشانه‌های خوراک چه نقش‌های فرهنگی و اجتماعی بازی می‌کنند. به نظر می‌آید که نشانه‌های خوراک در هر رسانه‌ای بیان شوند، نقش متمایزکننده موقعیت، ملیت، قومیت، جنسیت، طبقه اجتماعی، سن و موقعیت اجتماعی را دارند و تعیین‌کننده جایگاه قدرت و همگرایی یا واگرایی اجتماعی هستند. همایونی (۱۳۸۵) تبلیغات بازرگانی تلویزیونی را از دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی و با توجه به رویکرد لاکلاوموف بررسی کرده و نشان داده است که ساخت هویت جنسیتی زنانه و مردانه از جمله کارکردهای فرهنگی آگهی تجاری است.

شعیری و رحیمی جعفری (۱۳۸۹) در مقاله «نشانه-معناشناختی اشتباه: استعلا یا انحطاط سوژه، با تکیه بر فیلم‌های درباره‌الی و جدایی نادر از سیمین»، نتیجه گرفتند که اشتباه نشانه-معناشناختی گاهی موجب رهایی از تکرار و فرار از روزمرگی و کسالت، گاهی سبب نجات اگزیستانسیالیستی و سقوط هستی‌شناسی و گاهی سبب استعلا سوژه و زیبایی‌شناختی او می‌شود. سعیدنیا، اسدی و اندی (۱۳۹۳) بازنمایی زن در دو رمان سووشون و سنگ صبور را از منظر تحلیل گفتمان انتقادی بررسی کردند و نتیجه گرفتند که نویسندگان این آثار زن را به عنوان جنس دوم، ضعیف و با جایگاه اجتماعی پایین‌تر در برابر مرد بازنمایی کرده‌اند. در این پژوهش، رمان سنگ صبور در مقایسه با سووشون میزان منفعل‌گرایی بیشتری در بازنمایی زن دارد و در این بازنمایی، ایدئولوژی و قدرت دو عامل مهم هستند که با هم رابطه دوسویه دارند و از سوی نمودهای زبانی خاص و طبق هدف نویسندگان، در متن منعکس می‌شوند.

آقاگل‌زاده (۱۳۸۰) ضمن معرفی رویکردهای متنوع تحلیل گفتمان و علل نیاز به رویکرد جدید با عنوان تحلیل گفتمان انتقادی، نشان می‌دهد که متون مطبوعات ایران نیز از گفتمان و ایدئولوژی حاکم بر بنگاه‌های خبری تأثیر گرفته‌اند. وی معتقد است که ایدئولوژی‌ها از گفتمان‌ها و گفتمان‌ها نیز از عواملی جامع همچون جهان‌بینی و درنهایت، شناخت و معرفت‌شناسی تأثیر گرفته‌اند. چوب‌ساز و حسرتی (۱۳۹۱) در مقاله «تعامل پزشک و بیمار از دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی»، شیوه‌هایی را بررسی کرده‌اند که بیماران تلاش می‌کنند طی برخورد رودررو با پزشکان از آن‌ها برای اعمال قدرت استفاده کنند و در نتیجه، کنترل فرآیند رودرویی با پزشک را در اختیار خود بگیرند.

باغینی‌پور (۱۳۸۳) در مطالعه‌ای با عنوان «اقتناع و برخی تدابیر آن»، بحثی در گفتمان‌کاوی انتقادی مطرح می‌کند و معتقد است که قسمت عمده ارتباط از طریق کلام صورت می‌گیرد و امکان ردیابی تاکتیک‌های اقتناع که پدیده‌ای عظیم است، در زبان وجود دارد. توحیدلو (۱۳۸۵) در فیلم گیس‌بریده،

گفتمان انتقادی را تحلیل و دو گفتمان سنت‌گرا و تجدیدگرا را مقایسه کرده و با استفاده از غیریت‌سازی، هویت‌یابی، حاشیه‌رانی و برجسته‌سازی از گفتمان‌های طبیعی‌شده فیلم، آشنایی‌زدایی نموده است. او نشان داده است که مفصل‌بندی‌های گفتمان ثابت و طبیعی نیستند؛ بلکه گفتمان‌های رقیب با به چالش کشیدن گفتمان‌ها، آن‌ها را به‌طریق دیگری مفصل‌بندی می‌کنند.

سلطانی (۱۳۸۴) درون‌مایه‌های دینی سریال‌های ماه رمضان را بررسی کرد و توانست از منظر تحلیل گفتمان، نگاهی کلی به روند تحلیل بازنمایی و حضور مذهب در تلویزیون پس از انقلاب داشته باشد. وی فیلم پارتی را نیز تحلیل کرده و معتقد است که قطبیتی که در اجتماع مشاهده می‌شود، ناشی از این است که قدرت نهفته در گفتمان‌ها، اجتماع را بین «خود» و «دیگری» تقسیم می‌کنند. گل‌محمدی (۱۳۹۲) متون زبان انگلیسی اول دبیرستان را از دیدگاه تحلیل انتقادی بررسی کرده است. وی در این پژوهش، مسائل ایدئولوژیکی نهفته در جنسیت، طبقه و فرهنگ را که در این کتاب بازتاب داشته، بررسی کرده و نتیجه گرفته است که همه متون این کتاب دارای بار ایدئولوژیک، از جمله ایدئولوژی جنسیتی (مردمحور)، هستند. آقاگل‌زاده و دهقان (۱۳۹۳) در مقاله «تحلیل شیوه‌های بازنمایی گزینش خبر، برمبنای رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی»، اخبار چهار رادیوی ایران، آمریکا، فردا و اسرائیل را بررسی و آن‌ها را در چارچوب راهکارهایی مانند تعمیم‌شدگی واژگانی، عبارات خطابی و واژگانی‌شدگی افراطی ارزیابی کرده‌اند.

۲-۲. پیشینه مطالعات غیرایرانی

وندایک (۱۹۹۷) در مقاله‌ای مطرح می‌کند که در بحث انتقادی درباره گفتمان در بازتولید نابرابری‌های اجتماعی، هیچ مفهومی آشکارتر و بدیهی‌تر از مفهوم قدرت نیست؛ اینکه قدرت در گفتار و نوشتار اعمال، بیان و بازتولید می‌شود. همین مسئله درمورد قرینه اجتماعی-شناختی قدرت، یعنی ایدئولوژی نیز صدق می‌کند. ایدئولوژی شالوده‌بازنمودهای مشترک گروهی است.

فرکلاف در مقاله‌ای، بازنمود گفتمان در گفتمان رسانه‌ها را بررسی کرده و معتقد است که جزئیات ظریف متن با ساختارهای اجتماعی و آن دسته از روابط قدرت هماهنگ هستند که رسانه درون آن‌ها عمل می‌کند و با پنهان‌سازی روابط سلطه، تأثیرات ایدئولوژیک برجای می‌گذارد (فرکلاف، ۱۳۷۹). او در مقاله دیگری، زبان و ایدئولوژی را بررسی می‌کند و ایدئولوژی را چیزی تلقی می‌نماید که هم در ساختارها (قراردادهای مربوط به گفتمان) جا دارد و هم در رخدادها؛ یعنی از یک سو، قراردادهایی که در رخدادهای واقعی به‌کار می‌روند و درون نظم گفتمانی نهادها ساختاری مشترک یافته‌اند، از نظر ایدئولوژیک و به طرقی خاص استفاده می‌شوند و از سوی دیگر، ایدئولوژی‌ها در جریان رخدادهای گفتمانی واقعی به‌وجود می‌آیند و تغییر می‌کنند (همان: ۲۴).

مطالعات براون و لوینسون^۲ نشان داد خودمحوری در گفتار با موقعیت اجتماعی و طبقه شغلی ارتباط مستقیم دارد و چندان به خصوصیات فرد وابسته نیست (Brown & Levinson, 1987). در مطالعات کلب و پوتنام (۱۹۸۲)، نشان داده شد که در مکالمات نابرابر، فردی خودمحورتر محسوب می‌شود که طبق طبقه‌بندی استایلر، از پاره‌گفتارهای توصیه، بازتاب و تفسیر بیشتری که نشان‌دهنده آگاهی از افکار دیگران است، استفاده کند (Kolb and Putnam, 1997).

۳. چارچوب نظری

۳-۱. تحلیل گفتمان انتقادی

یکی از دیدگاه‌های مهم و نوین حوزه زبان‌شناسی، تحلیل گفتمان انتقادی است. رویکرد انتقادی به تحلیل گفتمان به این دلیل با شیوه‌های دیگر تحلیل گفتمان تفاوت دارد که می‌کوشد الگوهای غیرشفاف نابرابری‌های اجتماعی، ایدئولوژی‌ها و روابط قدرت را بین افراد و گروه‌ها شفاف کند. متفکرانی چون میشل فوکو^۳، ژاک دریدا^۴ و متفکران غربی دیگر گرایش‌های انتقادی را وارد مطالعات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی کردند. این رویکرد از تحلیل گفتمان را که به نحوه کاربرد گفتمان و زبان برای دستیابی به اهداف اجتماعی توجه می‌کند، تحلیل گفتمان انتقادی می‌نامند. در تحلیل گفتمان انتقادی، به دنبال تحلیل عملکردهای گفتمانی هستیم که مشکلات جامعه را منعکس می‌کنند؛ اینکه باورها و ایدئولوژی‌های ما چگونه در گذر زمان منجمد می‌شوند و چگونه می‌توانیم مانع این کار شویم. در این گرایش، اعتقاد بر این است که عواملی چون بافت تاریخی، روابط قدرت در جامعه، ساختارها و فرآیندهای اجتماعی و فرهنگی، جهان‌بینی‌های زبان (کلام و متن) را شکل می‌دهند و از طریق کاربرد مستمر زبان در جامعه، این بافت‌ها، روابط، ساختارها، فرآیندها و جهان‌بینی‌ها تثبیت و ماندگار می‌شوند؛ بنابراین، بین آن عوامل و زبان، رابطه‌ای متقابل و تأثیرپذیری دوسویه وجود دارد. در تحلیل انتقادی گفتمان، زبان دارای دو سطح زیرین و زبرین است. سطح زیرین حاوی ساختارها و مؤلفه‌های گفتمان‌مدار و سطح زبرین حاوی روابط قدرت و سلطه است. در این نوع تحلیل، علاوه بر نظام و آرایش فرایم‌های، عناصر زبانی، بافت و موقعیت‌های فرازبانی نیز مطالعه می‌شود؛ زیرا گفتمان نظام تنظیم‌کننده روابط قدرت و دانش در جهت تولید حقیقت به‌شمار می‌رود (سجودی، ۱۳۸۵: ۸۳). به سخن دیگر، ورای هر گفتمان، ایدئولوژی پنهانی وجود دارد که ساخت و معنی گفتمان را تعیین می‌کند و از طریق مؤلفه‌های خاصی به نام ساختارهای گفتمان‌مدار تجلی می‌یابد. به کار بردن یا به کار نبردن ساختارهای گفتمان‌مدار و تغییر و تبدیل آن‌ها به صورت دیگر در گفته و یا متن باعث می‌شود که از گفته برداشت‌های متفاوتی شود، مطلبی پوشیده یا مبهم شود یا صراحت بیشتری پیدا کند و یا بخشی از گفته برجسته شود و بخش دیگر در حاشیه قرار گیرد (یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۶۱).



تحلیلگران رویکرد گفتمان انتقادی معتقدند که تولید، فهم، خوانش و تحلیل متون به عواملی همچون بافت خرد و کلان، اعم از مسائل فلسفی، تاریخی، سیاسی، جامعه‌شناختی، ایدئولوژی و گفتمان، وابسته است؛ زیرا رابطه بین مردم و جامعه به صورت تصادفی و دلخواهی نیست و ازسوی نهادهای اجتماعی و عوامل دخیل دیگر در گفتمان تعیین می‌شود (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۴۸). مسئله زبان، ایدئولوژی، جهان‌بینی و قدرت از مفاهیم بنیادی در تحلیل گفتمان انتقادی هستند. تحلیل گفتمان انتقادی سیری تکوینی از تحلیل گفتمان در مطالعات زبان‌شناختی است که از حد توصیف صرف داده‌های زبانی فراتر می‌رود و فرآیندهای ایدئولوژیک و بافت‌های موقعیتی و بینامتنی مؤثر بر شکل‌گیری گفتمان را در کانون توجه خود قرار می‌دهد. مهم‌ترین اهداف گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی عبارت‌اند: از نشان دادن رابطه بین نویسنده، متن و خواننده، روشن ساختن ساختار پیچیده تولید متن (گفتمان)، نشان دادن تأثیر بافت زبانی و بافت موقعیتی (عوامل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، تاریخی و شناختی) بر گفتمان و آشکار ساختن رابطه بین متن و ایدئولوژی (بهرام‌پور، ۱۳۷۸: ۵۷). نورمن فرکلاف پژوهشگر انتقادی است که چارچوب تحقیق حاضر برپایه آرای او بنا شده است. وی هدف رویکرد انتقادی زبان را چنین تعریف می‌کند:

هدف کاربردی‌تر، کمک به افزایش هوشیاری نسبت به زبان و قدرت، به‌ویژه اینکه زبان چگونه در سلطه بعضی‌ها بر بعضی دیگر نقش دارد، است. با در نظر گرفتن توجه من به ایدئولوژی، این به آن معنا است که به مردم کمک کنیم تا بفهمند تا چه اندازه زبانشان مبتنی بر مفروضات عقل سلیم^۵ نیست و اینکه چگونه این مفروضات مبتنی بر عقل سلیم از نظر ایدئولوژیک به وسیله روابط قدرت شکل گرفته‌اند (Fairclough, 1989: 5).

فرکلاف مدعی است که گزاره‌های تلویحی طبیعی‌شده که منشأ ایدئولوژیک دارند، در گفتمان فراوان یافت می‌شوند و در تعیین جایگاه مردم به عنوان فاعلان اجتماعی، نقش ایفا می‌کنند. به نظر فرکلاف، رویکردهای غیرانتقادی در زبان‌شناسی و مطالعات پدیده‌های زبانی، به تبیین شیوه‌های شکل‌گیری اجتماعی کنش‌های گفتمانی یا تأثیرات اجتماعی آن‌ها توجه ندارند و تنها به بررسی توصیفی ساختار و کارکرد کنش‌های گفتمانی بسنده می‌کنند؛ درحالی که تحلیل انتقادی در بررسی پدیده‌های زبانی و اعمال گفتمانی به فرآیندهای ایدئولوژیک در گفتمان، روابط بین زبان و قدرت، ایدئولوژی، سلطه و قدرت، پیش‌فرض‌های دارای بار ایدئولوژیک در گفتمان، نابرابری در گفتمان و ... توجه کرده است و عناصر زبانی و غیرزبانی را به همراه دانش زمینه‌ای فاعلان، هدف و موضوع مطالعه خود قرار داده است (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۲). در ادامه، برخی از رویکردهای تحلیل گفتمان انتقادی را معرفی می‌کنیم.

۳-۲. برخی از رویکردهای تحلیل گفتمان انتقادی

۳-۲-۱. رویکرد لاکلا و موف

لاکلا و موف از طریق بازخوانی و ساختارشکنی نظریه‌های متفکرانی چون مارکس^۶، گرامشی، آلتوسر، فوکو، دریدا، لکان، سوسور و دیگران، نظریه گفتمان خود را در کتاب *هژمونی و استراتژی سوسیالیستی*^۷ (۱۹۸۵) شکل داده‌اند. از نظر لاکلا و موف، هر عمل و پدیده‌ای برای معنادار و قابل فهم شدن، باید پایه گفتمانی داشته باشد. به سخن دیگر، فعالیت‌ها و پدیده‌ها وقتی قابل فهم می‌شوند که درکنار مجموعه‌ای از عوامل دیگر، در قالب گفتمانی خاص قرار گیرند.

۳-۲-۲. رویکرد ون دایک

ون دایک (۱۹۹۷) تعریفی خنثی از ایدئولوژی ارائه می‌کند که ممکن است مثبت یا منفی باشد. وی جنبه گفتمان ایدئولوژی و نحوه تأثیرگذاری آن بر نوشتار و گفتار روزانه ما را تشریح می‌کند. ایدئولوژی بین اعضای یک گروه مشترک است. از نظر ون دایک، «جنبه اجتماعی-شناختی^۸، شناخت اجتماعی و فردی است که واسطه میان اجتماع و گفتمان می‌شود».

۳-۲-۳. رویکرد کرس

کرس (۱۹۹۱) بیان می‌کند که رویکرد گفتمانی‌اش براساس دیدگاه فوکو است. وی معتقد است که نقطه اشتراک تحلیلگران انتقادی با تحلیلگران گفتمان این است که بر متون و بافت آن تأکید می‌کنند؛ اما با عنصری انتقادی تحلیل می‌نمایند. آن‌ها از طریق طبیعی‌زدایی کنش گفتمانی، یعنی با شفاف ساختن آنچه در گذشته ممکن بود نامرئی جلوه کند، به این هدف دست می‌یابند.

۴. روش تحقیق

داده‌های این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای گردآوری و پژوهش به روش تحلیلی انجام شده است. واحد تحلیل، سکانس‌های فیلم و جمله‌ها یا دیالوگ‌های به کاررفته در فیلم *جدایی نادر از سیمین* است. مبنای اصلی چارچوب نظری، رویکرد فرکلاف است. تحلیل گفتمان به روش انتقادی از منظر فرکلاف از سه سطح تحلیل برخوردار است. سطح نخست سطح توصیف است که در آن، متن براساس مشخصه‌های زبان‌شناختی، اعم از آواشناسی، واج‌شناسی، نحوی، صرف و معنی‌شناسی و تاحدودی کاربرددشناسی توصیف و تحلیل می‌شود. سطح دوم سطح تفسیر است که در آن، متن بر مبنای آنچه در سطح توصیف بیان شده، با در نظر گرفتن بافت موقعیت و مفاهیم و راهبردهای کاربرددشناسی زبان



و عوامل بینامتنی تفسیر می‌شود. در سطح سوم که سطح تبیین است، دلیل تولید چنین متنی از میان امکانات مجاز موجود در آن زبان برای تولیدش درارتباط با عوامل جامعه‌شناختی، تاریخی، گفتمان، ایدئولوژی و قدرت و قراردادهای و دانش فرهنگی اجتماعی توضیح داده می‌شود.

۵. تحلیل داده‌ها در فیلم جدایی نادر از سیمین

در این بخش، تحلیل داده‌های فیلم را مطابق آنچه در روش تحقیق آورده‌ایم، با توجه به سطوح سه‌گانه رویکرد فرکلاف در سکانس‌ها ارائه می‌کنیم. بر این اساس، ابتدا در سطح اول، نمونه‌هایی از دیالوگ‌ها و جمله‌های به‌کاررفته را توصیف می‌کنیم.

توصیف

دو گفتمان اصلی فیلم جدایی نادر از سیمین، گفتمان دروغ و گفتمان جنسیت هستند. نمود این گفتمان‌ها در دیالوگ‌های شخصیت‌های فیلم دیده می‌شود. گفتمان جنسیتی شخصیت‌ها با واژه‌ها و عبارات زیر آشکار می‌شود. جملاتی مانند «دلایل شما برای طلاق کافی نیست خانم»، «اگه پدرش اجازه نده، نمی‌تونه با شما بیاد»، «من تشخیص می‌دم مشکل شما مشکل کوچیکه» و «تکلیف شما مشخصه، بفرمایید سر زندگیتون» که ازسوی قاضی دادگاه خانواده در سکانس اول بیان شدند و جملات و واژگانی مانند «ناموس اگر برای اینا مهم نیست، برای ما مهمه» و «تو چرا بدون اجازه من رفتی خونه یه مرد نامحرم کار کردی» که ازسوی حجت در سکانس چهاردهم گفته شدند، همگی به گفتمان جنسیتی متعلق هستند. گفتمان جنسیتی در فرهنگ‌ها شکل می‌گیرد، در خانواده از نسلی به نسل دیگر منتقل و توسط جامعه و سنت و مذهب تقویت می‌شود. درطول فیلم، می‌بینیم که راضیه چگونه دختر خود را آموزش می‌دهد؛ به‌طوری که وی به‌خوبی می‌داند که پدرش صاحب اختیار او و مادرش است و بسیاری از مسائل شخصی زنان خانواده باید با رضایت مرد و یا پنهان از وی صورت پذیرد. نمونه این فرهنگ‌سازی را در صحنه‌ای می‌بینیم که راضیه مجبور به نظافت پدر نادر شد. سمیه بدون اینکه مادرش از او بخواهد، می‌گوید «به بابا نمی‌گم» و راضیه با گفتن «قربونت برم»، این آموزش را تقویت می‌کند و به همین صورت، گفتمان‌های جنسیتی شکل می‌گیرند.

از سوی دیگر، در منازعات گفتمانی فیلم، گفتمان دروغ نقش برجسته‌ای دارد. شخصیت‌های فیلم به یکدیگر بدبین هستند. حتی هنگامی که یکی راست می‌گوید، دیگری او را باور ندارد و به دروغ متهم می‌کند. نمونه‌های این بدبینی و اتهام را در دیالوگ‌های زیر می‌بینیم: «تو چشم من نگاه می‌کنی داری دروغ می‌گی؟»، «تو اون اتاق پشتی چی کار داشتی؟»، «همون اتاق که از تو کشوش پول برداشتی؟!»، «نه من هولشون ندادم»، «شما منو هول ندادین؟!»، «خوب چرا دروغ می‌گی؟»، «شما نبایدم یادت بیاد!»، «نه من نمی‌دونستم»، «من نگفتم دزدی کردن» و «مامانت می‌خواد منو پیش تو خراب کنه».

تفسیر

در سطح تفسیر، از بافت موقعیت فیلم بهره می‌گیریم. داستان فیلم از ابتدا با بحران‌هایی آغاز می‌شود که شخصیت‌های فیلم را درگیر کرده‌اند. بیماری پدر نادر و اختلاف نادر و سیمین بر سر مهاجرت که به جدایی این زوج منجر می‌شود، پای راضیه را به‌عنوان پرستار به زندگی خانواده‌ی لواسانی (خانواده‌ی نادر) باز می‌کند؛ زنی که خود به بحران مالی دچار است و باردار نیز است. راضیه زنی است که برای خویش محدودیت‌های عرفی و مذهبی بسیاری قائل است که شاید بسیاری از افراد مذهبی و سنتی با باورهای مشابه نداشته باشند؛ مانند سختگیری‌های بیش‌ازحد برای خود، ازجمله کشیدن پرده‌های خانه به‌محض ورود و استفتاء بابت هر مسئله و مشکل. نادر و راضیه هر دو انسان‌هایی اصولگرا و مصمم هستند. درطول فیلم، این ویژگی به‌ظاهر مثبت به بحران فیلم دامن می‌زند. اصرار نادر بر مهاجرت نکردن، دلجویی نکردن وی از سیمین، اصرار نادر بر تهمت به راضیه و پافشاری راضیه بر بی‌گناهی‌اش، هریک به‌نوبه‌ی خود تشدیدکننده‌ی بحران بودند و حتی باعث شدند که نادر و راضیه اصول خود را زیر پا بگذارند، دروغ بگویند و پنهان‌کاری کنند. احساس عجز، ترس از قضاوت اطرافیان و ازدست دادن موقعیت و وجهه‌ی خود در خانواده و جامعه، از دلایل شکل‌گیری گفت‌وگو در این فیلم هستند. فرهادی در این فیلم، مانند فیلم قبلی خود، درباره‌ی «لی»، با اینکه دروغ را در سطح وسیعی از جامعه نشان می‌دهد، دید بی‌طرفانه‌ای دارد. درنهایت، فیلم تنها بستر شکل‌گیری گفت‌وگو دروغ و آثار آن بر افراد و خانواده‌ها و روابط انسانی را نشان می‌دهد و از قضاوت می‌پرهیزد.

تبیین

اکنون در سطح تبیین، داده‌ها را درارتباط با مسئله‌ی اصلی پژوهش، یعنی دروغ تحلیل و تبیین می‌کنیم تا نقش آن را در برهم ریختن روابط و هنجارهای کنشی نشان دهیم. برای این منظور، روابط قدرت، فرهنگ و باورهای فرهنگی را در سکانس‌ها بررسی می‌کنیم؛ زیرا در فیلم، شاهد تأثیرپذیری و تأثیرگذاری این عوامل بر یکدیگر هستیم. درطول روایت، سوژه‌ها تلاش می‌کنند بحران‌ها و تنش‌های ایجادشده ناشی از دروغ‌ها و پنهان‌کاری‌ها را با به‌کارگیری راهکارهایی همچون غیریت‌سازی و اقناع و حتی بهره‌گیری از گفت‌وگو جنسیتی حل کنند. درادامه، به گزیده‌هایی از این تلاش‌ها و منازعات گفت‌وگومانی اشاره می‌کنیم.

در فیلم با دو دادگاه روبه‌رو هستیم. در سکانس اول که به دادگاه طلاق نادر و سیمین مربوط است، نگاه جنسیتی در گفت‌وگو قاضی آشکار و در گفت‌وگو نادر پنهان‌تر است. قاضی برای نارضایتی‌ها، نگرانی‌ها، دلایل و به‌طور کلی موجودیت سیمین، اهمیتی قائل نیست. از نظر او، سیمین یک زن و به عبارتی یک سوژه ثانویه است؛ سوژه ثانویه‌ای که در پس باورهای فرهنگی، فاقد قدرت است و بی‌دلیل بهانه‌گیری می‌کند. برای قاضی، نادر سوژه اولیه است. نادر خود نیز نگاه جنسیتی دارد؛ اما دیدگاهش



مانند قاضی چندان آشکار نیست. چنین بینشی را می‌توانیم در ورای گفته‌هایش بیابیم. او با اشراف بر حقوق فرهنگی و اجتماعی خود و با اطمینان از محفوظ ماندن آن‌ها، صرفاً درصدد حفظ وجهه خود به عنوان مردی امروزی است. نادر در موقعیتی از قدرت است که علاوه بر اینکه می‌تواند حق سیمین برای طلاق را نادیده بینگارد، می‌تواند بسیاری از حقوقی را که به او بخشیده پس بگیرد. با این حال او آن حقوق را پس نمی‌گیرد و این کار و فداکاری‌اش برای پدر، او را که موجه و معقول به نظر می‌رسد، حتی به یک ابرسوژه تبدیل می‌کند. در چنین فضایی که عدم توازن قدرت در آن به‌خوبی مشهود است، سوژه دوم، یعنی سیمین، متأثر از روابط فرهنگی حاکم بر جامعه، مفردی برای برون‌رفت از این بحران نمی‌یابد و در نهایت بازندهٔ تنازع گفتمانی موجود محسوب می‌شود.

یکی از بحران‌های فیلم در سکانس دهم اتفاق می‌افتد که نادر و ترمه متوجه سهل‌انگاری و پنهان کاری راضیه در مراقبت از پدر بزرگ می‌شوند. شرایط کاملاً بحرانی و تنش‌آلوده است و راضیه موقعیت خود را در ضعف مطلق می‌بیند. در این شرایط، به ائمه سوگند یاد می‌کند و مذهب و باورهای مذهبی-فرهنگی را پیش می‌کشد تا با استمداد از این اسطوره‌های مذهبی، تنش‌آلودگی موجود را حتی-الامکان کم کند. به دلیل تفاوت دیدگاه‌های فرهنگی دو سوژه، تلاش‌ها مؤثر نمی‌شوند و راضیه کماکان متهم باقی می‌ماند. فضایی بس تنش‌زا و آسمیک ایجاد می‌شود و با پافشاری هردو طرف، این منازعهٔ گفتمانی سرانجام به حضور در دادگاه منجر می‌شود.

در سکانس چهاردهم (جلسهٔ دادگاه نادر و راضیه)، همسر راضیه ابتدا به نادر توهین می‌کند و سپس خشم خود را متوجه راضیه می‌نماید. او از نادر می‌پرسد به چه اجازه‌ای به ناموس او دست زده است و رو به قاضی می‌گوید «حاج آقا ناموس اگه واسه اینا مهم نیست، واسه من مهمه». او در این سکانس، با مطرح کردن مسئلهٔ ناموس می‌خواهد از طریق ارجاع به باورهای فرهنگی و ایدئولوژیک، برای کسب قدرت تلاش کند. با دیدن اینکه بازپرس به نادر سخت می‌گیرد و قضیهٔ قتل نفس را مطرح می‌کند، اعتماد به نفس او بیشتر می‌شود، از موضع قدرت برخورد می‌کند و به جای بازپرس نادر را مورد سرزنش قرار می‌دهد و بی‌پروا به او توهین می‌کند. حجت درصدد است تا نادر را به چالش بکشد و گفتمان او را به حاشیه براند؛ از این رو، با غیریت‌سازی مسئلهٔ ناموس را مطرح می‌کند. او گمان می‌کند که با این مسئله خود و بازپرس را در گروه ما و نادر را در گروه دیگران قرار می‌دهد، می‌تواند نظر بازپرس را کاملاً به نفع خود برگرداند و نادر را در دادگاه شکست دهد.

در همین سکانس، شاهد گفتمان جنسیتی نیز هستیم. حجت با بیان این مطلب که همسرش بی‌اجازهٔ وی به خانهٔ مردی رفته که معلوم نیست کی هست، نشان می‌دهد که در نگاه وی، راضیه به‌عنوان یک انسان مستقل جایگاهی ندارد. او یک سوژهٔ ثانویه است و در اوج تعالی خود، تنها مادر بچه‌های او است. اختیار این سوژهٔ ثانویه در دست همسر است و حتی اگر در جهت منافع او بدون اطلاع او کاری

کند، سزاوار تنبیه است.

در این سکانس، دو دروغ مطرح می‌شود. ابتدا دروغ راضیه که با اطمینان، نادر را دلیل از دست دادن فرزند خود می‌داند و سپس دروغ نادر مبنی بر بی‌خبری‌اش از بارداری راضیه. هریک از این دو دروغ سبب برهم ریختن روابط و هنجارهای کنشی متفاوتی در گستره فیلم هستند. آنچه درخصوص راضیه مشهود است، متزلزل بودن گفتمان او درمورد سقط جنین است. وی سعی دارد گفته‌های خود را اثبات کند؛ از این رو، بازگشت به اصل فراباور را تنها راه اثبات خود و گریز از بحران می‌بیند و تلاش می‌کند برهم‌ریختگی قدرت را با تمسک به اسطوره‌های مذهبی تعدیل و به‌سامان کند. عکس این حالت زمانی اتفاق می‌افتد که او به حقانیت خود یقین دارد (ندزدیدن پول) و حتی به‌دور از حجت، در نزاع گفتمانی شرکت می‌کند و گفتمانی قاطع دارد.

در سکانس هجدهم، شاهد دروغگویی کوچک‌ترین شخصیت فیلم، سمیه دختر راضیه، هستیم. معلم ترمه (خانم قهرایی) که از اتاق بازرسی بیرون آمده، به کمک مادر سیمین قصد دارند با مهربانی و زبان نرم، سمیه را به حرف درآورند؛ اما سمیه در پاسخ به سؤال خانم معلم که از درگیری حجت و راضیه پرسیده است، می‌گوید «مامان بابام دعوا نمی‌کنن». قهرایی با استفاده از واژه «خاله» می‌کوشد اعتماد سمیه را جلب کند. مادر سیمین نیز که زنی منطقی و باتجربه است، با گفتن جمله «آخه برای چی باید دعوا کرده باشن؟» خود را در گروه خودی‌ها یا به عبارت دیگر، مای سمیه قرار می‌دهد. این دو با استفاده از اقناع قصد دارند از زبان سمیه اطلاعاتی را بکشند تا دادگاه به‌نفع نادر تمام شود؛ غافل از اینکه سمیه هم پنهان‌کاری می‌کند. او با سن کمش می‌داند که چه زمانی سکوت کند و چه زمانی حرف بزند و یا حتی دروغ بگوید. ایدئولوژی و فرهنگ، کودکی چون سمیه را به‌نوعی بلوغ کاذب رسانده است که جز رنج برای او حاصلی ندارد؛ بلوغ و رنجی که در نگاه سمیه دیده می‌شود.

مسئله دیگری که درباره دروغ درخور توجه است، تأثیری است که بر وجهه نادر نزد سایر سوژه‌ها و حتی خودش می‌گذارد. این امر باعث می‌شود که نادر در نزاع‌های گفتمانی، دچار ضعف شود. نمونه این تأثیر را در گفتمان نادر با حجت در بیمارستان و نیز گفتمان حجت با راضیه در جلسه دادگاه که از دروغ و پنهان‌کاری همسرش درباره بستن و تنها گذاشتن پدر نادر باخبر شده، می‌بینیم. نادر و راضیه به دلیل وقوف بر دروغ‌هایشان، در برابر حجت ضعف نشان می‌دهند که این مسئله به برهم خوردن توازن قدرت منجر می‌شود و نادر و راضیه را درمقابل حجت وادار به سکوت می‌کند. مسئله مؤثر در افزایش تنش در فضای روایت، عدم توازن قدرت در منازعات گفتمانی است. در فیلم، شاهد تلاش شخصیت‌ها برای برگرداندن این توازن هستیم. گفتمان نادر و سیمین در شرایط بحرانی با گفتمان راضیه و حجت به کلی متفاوت است. نمود قدرت در انتخاب واژگان، طول جملات و لحن صحبت‌ها دیده می‌شود. راضیه و حجت احساس می‌کنند که برای احقاق حق خود، به سوگند یاد کردن،



التماس، تهدید و زیاده‌گویی نیاز دارند. از سوی دیگر، نادر و سیمین در بیشتر سکانس‌ها، کوتاه، محترمانه و قاطع صحبت می‌کنند و هوشمندانه واژگان را انتخاب می‌کنند. در سکانسی از فیلم، حجت به ضعف گفتمانی خود درمقابل نادر اعتراف می‌کند. عدم توازن قدرت، منازعه گفتمانی بین نادر و حجت را شدید می‌کند و فضاهای آسمیک ایجاد شده به ایجاد بحران‌های پی‌درپی منجر می‌شود.

مسبب یکی از این بحران‌ها، دروغ نادر است. در سکانس بیست و یکم فیلم، ترمه متوجه می‌شود که نادر درباره بی‌خبری‌اش از بارداری راضیه دروغ گفته است و نگاهش به پدرش شماتت‌آمیز است. نادر در نگاه فرزند خود در حدی شکسته است که خودش نیز این شکست را احساس می‌کند. نادر در این سکانس، به دروغ خود اعتراف می‌کند. با این حال، زمانی که بازپرس از او می‌خواهد دخترش را برای پاسخگویی به اتاق بازپرسی ببرد، ترمه نیز در حمایت از پدرش **شهادت دروغ می‌دهد**؛ زیرا نادر در توجیه دروغ خود، انعطاف‌ناپذیر بودن قانون را دلیل دروغ‌گویی‌اش دانست و نگرانی برای ترمه و پدرش را بهانه کرد. ترمه با اینکه از پدر خود دلخور است، به‌خاطر او به بازپرس دروغ می‌گوید. فرهنگ و گفتمان دروغ از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و مصلحت‌اندیشی بر رعایت اخلاق برتری می‌یابد. دروغ ترمه به‌طور موقت بحران نادر را در دادگاه حل می‌کند؛ اما بحران اصلی فیلم را حل‌نشده باقی می‌گذارد و حتی پیچیده‌تر می‌کند.

در سکانس بیست و چهارم، سه نفر برای حل بحران پادرمیانی می‌کنند. سیمین، خواهر حجت و دوست وی. در این جلسه، حجت مستأصل شده و خواهان پایان منازعات است؛ اما نمی‌خواهد به سادگی توافق را بپذیرد. او خود را در برابر نادر و سیمین بدون قدرت حس می‌کند و با استفاده از غیریت‌سازی (ما و شما) در گفتارش، می‌کوشد ترحم سیمین را جلب و او را قانع کند. از سوی دیگر، سیمین، دوست حجت و خواهر وی با گفتمان خاص خود، می‌کوشند سوژه اصلی را (برای پذیرفتن چک) قانع کنند. گفتمان سیمین با منطق و استدلال همراه است؛ درحالی که گفتمان خواهر حجت از دیدگاه سنتی و عرفی خاص زنان ایرانی متأثر است. در این میان، دوست حجت نیز با توسل به سوگند و تمسک به اسطوره و باورهای مذهبی می‌کوشد او را قانع کند. پادرمیانی وی نمونه بارزی از سنت‌ها و باورهای فرهنگی و احترام به اسطوره‌های مذهبی در جامعه است. درنهایت، اسطوره‌های مذهبی به عنوان یک وجه اشتراک قابل احترام برای طرفین منازعه، سبب گشایش گفتمانی و آرام کردن فضای پرتنش موجود می‌شوند.

در سکانس بیست و ششم فیلم که نادر می‌خواهد چک را به حجت تحویل دهد، ناگاه از راضیه می‌خواهد که با دست گذاشتن به قرآن صحت ادعای خود را ثابت کند. وی برای خروج از بحران موجود و فضای آسمیک و تنش‌آلوده، به فرااسطوره متوسل می‌شود. او واژگان خود را با استمداد از فرهنگ و باورهای راضیه انتخاب می‌کند و توازن قدرت را به‌نفع خود برهم می‌زند. راضیه با استناد به نظر مرجع

شرعی خود، در برابر اصرار همسرش که حاضر است به خاطر مشکلات مالی گناه قبول پول ناحق را به جان بخرد، می‌ایستد. تنازع گفتمانی بین نادر و راضیه و حجت به تنازع بین راضیه و همسرش بدل می‌شود. نادر و راضیه به دلیل متأثر شدن از به میان آمدن فراسطوره، پیروز این نزاع و حجت که در برابر آن مقاومت می‌کند، بازنده این گفتمان هستند. فراسطوره روابط قدرت را در دست گرفت و در نهایت، موجب گشایش گفتمانی و بازتولید قدرت در فضای تنش‌آلوده و برون‌رفت از فضاهای آسمیک موجود شد. در این سکانس نیز نمودی از گشایش گفتمانی را در گرو روابط فرهنگی می‌بینیم.

۶. نتیجه‌گیری

در این مقاله، فیلم‌نامه جدایی نادر از سیمین را از دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی بررسی کردیم. در مقاله حاضر، بر نقش دروغ در برهم ریختن روابط و هنجارهای کنشی تأکید شده و ضمن بررسی روابط قدرت، فرهنگ و باورهای فرهنگی، نقش و جایگاه متون اسطوره‌ای همچون کتاب مقدس، در گشایش گفتمانی بررسی شده است. سوژه‌ها با استفاده از باورهای فرهنگی، غیریت‌سازی و اقصاء، می‌کوشند بحران‌های موجود را حل کنند. یافته‌های پژوهش از یک سو غیریت‌سازی گفتمان خودی در برابر گفتمان غیرخودی را نشان می‌دهند که در آن، هر گفتمان تلاش می‌کند با برجسته‌سازی دال‌های خودی و تثبیت آن‌ها، گفتمان غیرخودی را به حاشیه براند یا در نهایت حذف کند. چنین غیریت‌سازی‌هایی برگرفته از عواملی همچون فرهنگ، آداب و رسوم و سنت‌های جامعه هستند. یکی از گفتمان‌های رایج فیلم، گفتمان جنسیتی است. سوژه‌ها، مشخصاً قاضی و نادر در دادگاه اول و حجت در دادگاه دوم، با توجه به فرهنگ مسلط جامعه در جلسه‌های دادگاه، الگوهای رفتاری و جنسیتی آشکاری را نشان می‌دهند. این گفتمان‌های جنسیتی که ساخته و پرداخته فرهنگ هستند، سبب ایجاد عدم توازن قدرت دو جنس می‌شوند؛ چنانکه در دادگاه اول، سیمین مفری برای برون‌رفت از بحران موجود نمی‌یابد و بازنده تنازع گفتمانی موجود می‌شود و در دادگاه دوم، راضیه از نظر حجت انسان مستقل به‌شمار نمی‌آید.

از سوی دیگر، این فیلم پیچیدگی‌ها و مسائلی را در ارتباط با پیامدهای «دروغگویی» مطرح می‌کند. در فیلم نشان داده می‌شود که بی‌اخلاقی نیز مانند اخلاق به نسل بعد منتقل می‌شود و نماد آن «ترمه» است که برخلاف میل باطنی و با اینکه خود از منتقدان دروغ پدر است، مجبور می‌شود که دروغ بگوید. دروغ‌های پی‌درپی سوژه‌ها کارکرد کلاسیک روایت را برهم می‌ریزد. روایت به محل خطای پیوسته سوژه‌ها و در نتیجه تنش‌های روایی تبدیل می‌شود. هر دروغ بایی به روی تنش‌های جدید است که در نهایت کنشی جدید را خلق می‌کند. دروغ‌های متوالی فضایی ناامن را به وجود می‌آورند که به دلیل نتایج تنش‌بار آن، به فضایی بحرانی تبدیل می‌شود. در چنین فضایی که عدم توازن قدرت در منازعات گفتمانی سوژه‌های آن موج می‌زند، بازگشت به اصل باور و آنچه فراپاور نامیده شد، تنها راه گریز از بحران است.



راضیه با دست نگذاشتن بر قرآن و پرهیز از قسم دروغ، خود را از بحران نجات می‌دهد و نادر با پیشنهاد قسم خوردن و دست گذاشتن بر قرآن به راضیه، خود را از همه سوءظن‌ها رها می‌کند و نجات خود را از بحرانی که به آن دچار است، تضمین می‌کند. به این ترتیب، تنش‌های ایجادشده تعدیل و فضای آسمیک به فضای آرام‌تری تبدیل می‌شود و این‌گونه، ارتباط فرهنگ و اسطوره با گشایش گفتمانی نمود می‌یابد و روابط قدرت طبق سپهر نشانه‌ای که این فیلم محصول آن است و آکنده از باورهای مذهبی و اعتقادی است، دستخوش تغییر می‌شود. در نتیجه، می‌توانیم بگوییم که وجود فرااسطوره و فراباور به‌طور تلویحی نقدی به دیدگاه صرف انتقادی به گفتمان، با توجه به کارکرد و نقش مهم آن در گشایش گفتمانی در جهت بازتولید قدرت در فضاهای تنش‌آلوده فیلم است؛ زیرا دین در جوامع مذهبی و باورهای فرهنگی در همه جوامع بشری همواره نوعی بینش و ایدئولوژی را برای اعضای آن جامعه ارائه می‌دهد. گشایش گفتمانی حاصل و در پی آن، نوع روایت و زاویه دید به‌کاررفته در این فیلم، برگرفته از ویژگی‌های فرهنگی و اعتقادی و متأثر از آن است و درحقیقت تمامی این عوامل جریان‌های معنا ساز فیلم را فعال می‌کنند. این پژوهش همسو و تأییدکننده پژوهش شعیری و رحیمی جعفری (۱۳۸۹) است که معتقدند اینجا است که قرآن به‌عنوان کتاب آسمانی، باور ریشه‌ای و راه‌حل نهایی بحران و تنها ابرنشان‌های که می‌تواند همه سازکارهای نشانه‌ای دیگر را کنترل کند، به‌مثابه یک فرااسطوره وارد صحنه می‌شود. قرآن به‌عنوان یک فراباور که همه باورهای دیگر از آن ریشه می‌گیرند، پایان‌بخش بحران‌های کنشی و در نتیجه یک ضدبحران است؛ بنابراین، به‌عنوان تنها راه‌حل پیشنهادی فیلم معرفی می‌شود.

۷. پی‌نوشت‌ها

1. critical discourse analysis
2. Brown & Levinson
3. M. Foucault
4. J. Derrida
5. common sense
6. Marx
7. socialism
8. aspects of social cognition

۸. منابع

- آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۸۰). «ویژگی‌های متون ادبی از دیدگاه زبان‌شناسی». *مجله آموزش زبان*. س ۱، ش ۲.
- _____ (۱۳۸۵). *تحلیل گفتمان انتقادی*. تهران: علمی و فرهنگی.
- آقاگل‌زاده، فردوس و مسعود دهقان (۱۳۹۳). «تحلیل شیوه‌های بازنمایی گزینش خبر، برمبنای رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی». *جستارهای زبانی*. د ۵، ش ۴ (پیاپی ۲۰). صص ۱-۱۶.
- باغینی‌پور، مجید (۱۳۸۳). «اقتناع و برخی تدابیر آن: بحثی در سخن‌کاوی انتقادی». *مجله زبان‌شناسی*. س ۱۹، ش ۱. صص ۶۷-۸۶.
- بهرامپور، شعبانعلی (۱۳۷۸). «درآمدی بر تحلیل گفتمان». *مجموعه مقالات گفتمان و تحلیل گفتمان*. به‌اهتمام محمدرضا تاجیک. تهران: فرهنگ گفتمان.
- توحیدلو، یگانه (۱۳۸۵). *تحلیل انتقادی گفتمان، مطالعه موردی فیلم‌نامه گیس‌بریده*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه آزاد اسلامی.
- چوب‌ساز، یاسمن و مصطفی حسرتی (۱۳۹۱). «تعامل پزشک و بیمار از دیدگاه تحلیل انتقادی گفتمان». *مجموعه مقالات هشتمین همایش زبان‌شناسی ایران*. ج ۱. دانشگاه علامه طباطبائی. صص ۱۲۷-۱۳۶.
- سجودی، فرزانه (۱۳۸۵). «درآمدی بر نشانه‌شناسی خوراک: بررسی نمونه‌ای از گفتار سینمایی». *مجموعه مقالات دومین همایش نشانه‌شناسی هنر*. صص ۸۳-۹۷.
- سلطانی، سید علی‌اصغر (۱۳۸۴). *قدرت، گفتمان و زبان: سازکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران*. تهران: نشر نی.
- سعیدینیا، نرجس، اسدی، مسعود و سید تقی اندی (۱۳۹۳). «بازنمایی زن در رمان‌های سووشون و سنگ صبور از منظر تحلیل گفتمان انتقادی». *مجموعه مقالات نهمین همایش زبان‌شناسی ایران*. دانشگاه علامه طباطبائی. صص ۵۰-۵۷.
- شعیری، حمیدرضا و مجید رحیمی جعفری (۱۳۸۹). «بررسی نشانه-معناشناختی اشتباه: استعلا یا انحطاط سوژه، با تکیه بر فیلم‌های درباره‌الی و جدایی نادر از سیمین». *مجله انسان‌شناسی هنر*. دانشگاه اصفهان. صص ۷۳-۸۰.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹). *تحلیل انتقادی گفتمان*. ترجمه گروه مترجمان. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.



References:

- Aghagolzadeh, F. & M. Dehghan (2013). "The analysis of representing methods of selecting the news, based on critical discourse analysis approach". *Journal of Language Inquiries*. Vol. 5, No. 4, Pp. 1-16 [In Persian].
- Aghagolzadeh, F. (2001). "The characteristics of literature texts from linguistics' Point of view". *English Teaching Journal*. 1th year, No. 2 [In Persian].
- Aghagolzadeh, F. (2006). *Critical Discourse Analysis*. Tehran: Scientific- Cultural Publishing [In Persian].
- Baghinipoor, M. (2004). "Persuasion and some of its measures: A discussion in Critical Discourse Analysis". *Journal of Linguistics*. 19th year, No. 1, Pp. 67-86 [In Persian].
- Bahmanpoor, Sh. (1999). "An introduction to discourse analysis". *The Book on Selection of Discourse Analysis*. By: Tajik, M. Tehran: The Culture of Discourse Publishing [In Persian].
- Barreclott, M. (1991). *Ideology, Politics, Hegemony: From Marx to Foucault*. Cambridge: Polity Press [In Persian].
- Brown, P. & S.C. Levinson (1987). *Politeness: Some Universals in Language Usage*. Cambridge: Cambridge University Press. [First published 1978 as part of Ester N. Goody (ed.): Questions and Politeness. Fairclough, N. (1995b). *Media Discourse*. London: Edward Arnold]
- Brown, P. & S.C. Levinson (1987). *Politeness: Some Universals in Language Usage*. Cambridge: Cambridge University Press. [First published 1978 as part of Ester N. goody (ed.): Questions and Politeness. Fairclough, N. (1995b), *Media Discourse*, London: Edward Arnold].
- Choobsaz, Y. & M. Hasrati (2011). "The Interaction of The Physician And The Patient From Critical Discourse Analysis Point of View". *Article collection of English Conference of The Meeting of Linguistics of Iran*. Allameh Tabatabaei University. Pp. 127-136 [In Persian].
- Fairclough, N. (1989). *Language and Power*. (second revised edition 2001). Harlow, United Kingdom: Longman
- Fairclough, N. (2000). *Discourse Analysis*. Translated by: The group of translators, Tehran: Media Researches And Studies [In Persian].

- Kolb, D.M. & L.L. Putnam (1997). *Through the Looking Glass: Negotiation Theory Refracted Through the Lens of Gender*. In S. E. Gleason (Ed.), *Workplace Dispute Resolution: Directions for the 21st Century* (pp. 231-257). East Lansing, MI: Michigan State University Press.
- Saeednia, N.; M. Asadi & S.T. Andi (2014). "The Representation of Women in The Novels Soovashoon and Sange Saboor From Critical Discourse Analysis Point of View". *The Selection of the Articles of 9th Conference of The Meeting of Linguistics of Iran*. Allameh University Publishing Pp. 50-57 [In Persian].
- Shairi, H. & M. Rahimi Jaffari (2010). "The semiotic-semantic study of the mistakes: Transcendence or decadence of the subject, using a separation and about Eli". *The Anthropology of Art Journal*. University of Esfahan. Pp. 73-80 [In Persian].
- Simpson, P. (1993). *Language, Ideology And Point OF View*. London: Routledge.
- Sojoodi, F. (2006). "An Introduction to Semiotics of Cosine: The Study of Cinematic Discourse". *Article collection of the second conference of Art Semiotics*. Pp. 88-97 [In Persian].
- Soltani, S.A.A. (2005). *Power, Discourse and Language: The set ups of The Flow of The Power in Islamic Republics of Iran*. Tehran: Ney publishing [In Persian].
- Tohidloo, Y. (2006). *Critical Discourse Analysis, Case Study of The Script of Gisborideh*. M.A. Thesis. General Linguistics. Azad University [In Persian].
- Van Dijk, T.A. (1997). *Discourse Studies, A Multidisciplinary Introduction*. Vol. 7, London: Sage.
- Van Dijk, T.A. (2001). *Studies in Discourse Analysis, From Text Grammar to Critical Discourse Analysis*. Translated by: Izadi, P. and others. Tehran: Media Researches And Studies [In Persian].
- Yarmohammadi, L. (2014). *Common and Critical Discourse Analysis*. Tehran: Hermes Publishing [In Persian].